

کوششنامه

بهنام سبت حل موضوع آذربایجان

ماده ۱۳

« دولت موافقت دارد که اگراد مقیم آذربایجان از مزایای این موافقت نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۱۴ بلاغیه دولت تا کلاس پنجم ابتدائی زبان خودشان تدریس نمایند »

ملی و هم آرزو و توحه شوهرگران مسئله آذربایجان در نتیجه مسامی قابل تقدیر و حسن تدبیر و کاروانی جناب آقای قوام السلطنه، از راه دولت آذربایجان و از طریق که از هر جهت موجب وحدت و یگانگی افراد نورو آذربایجانی و کردستان شمالی بوده، علاقه غیر قابل انکار آنان را بایران تأمین نماید. در زمینه های شوم گروهی که بهجت آذربایجان و کردستان را اقدامات ناجرا جویانه و دهرمان آن و کسان را که بر علیه دستگیرانند و حکومتهای تلاق گذشته قیام کرده بودند، متجاوز میگردانند و آرزوی آنان که ایجاد سوء تفاهم و تفرقه و فراهم نمودن برادر کشی های خطرناک بود عقیم ماند.

ملت ایران این حسن تدبیر و همت و وطن پرستی نصبت وزیر با کفایت خود را، آموزش نگرد. نامش را با احترام و تکریم و اقدامات آزادی خواهانه او را در مقدمه فصل سعادت و یک پستی ایران ثبت تاریخ برانضار این کشور گهن سال خواهد نمود.

قرارداد منصفه بین دولت و نمایندگان مردم آذربایجان که با مضای آقایان مظفر فیروز و پیشه وری رسیده، تصویب بانفاق آراء آن اطرف، مجلس ملی آذربایجان و استغای آقای پیشه وری از ریاست حکومت ملی آذربایجان ثابت نمود که مردم این ایالت جز حقوق مسلم که لازمه زندگی در دنیای امروز است و جز بدست آوردن امتیازاتیکه در سایه آن بتوانند وسایل زندگی و رفاه مردم آن سامان را تأمین کنند خواهستای نداشته اند.

اندون دیگر ثابت شد که صحبت تجزیه و جدائی که یگانه حربه مخالفان برای حمله باین نهضت های آزادی خواهانه بود جز وسیله ای برای غنه کردن فریاد مردم آذربایجان و کردستان شمالی بوده و اقدامات آنان که به صورت استبداد می نمودند و برای سعادت و یکپختی ایران مبارزه و همکاری می نمایند دردم شکسته جز بر اساس برهتان نگامداشتن ایران بر چیزی دیگر استوار نبوده است.

اکنون دیگر مردم آذربایجان با

اندون دیگر ثابت شد که صحبت تجزیه و جدائی که یگانه حربه مخالفان برای حمله باین نهضت های آزادی خواهانه بود جز وسیله ای برای غنه کردن فریاد مردم آذربایجان و کردستان شمالی بوده و اقدامات آنان که به صورت استبداد می نمودند و برای سعادت و یکپختی ایران مبارزه و همکاری می نمایند دردم شکسته جز بر اساس برهتان نگامداشتن ایران بر چیزی دیگر استوار نبوده است.

اکنون دیگر مردم آذربایجان با

پرده ای از جنایات صفز دست نایاگان و عناصر گشیف باید قطع گردد

چندی قیز اطلاع حاصل نمودیم که تفکر فکاهی بشوق و مفاخله عناصر مشکوکی در سنز در حرف امضاست و نیز اطلاع دادند که چند نفر از اشخاص شریف از امضای آن خود داری نموده اند.

مالا انتشار این غیرت اوسول تلگراف های مورد بحث خودداری گردیم حال که تلگراف ها واصل شده خلاصه آرا یادکر نام اعضا کنه کن و چند موضوع دیگر که با نظر خواننده کان میگذرانیم تا خود یک قضات نمایند.

عناصری در صفز موجودند که به شرفت خود و مقامشان را در این می دانند که همیشه در آجا هرج و مرجی حکمفرما باشد تا بهتر بتوانند از بازار آخته استفاده نمایند زیرا کلاهی آنان که بهر ترویر و دوا و تهبت و اقترا چیز دیگر نیست در بازاری غیر از بازار هرج و مرج خریدار ندارد.

برای این عناصر بی خالمان کردن اشخاص نابود می مردم، نما کردن بی گناهان ملی پیش از آنکه وعادی است منتب نموده کسانی که قدری احساسات دارند به حرکت آزادخواهان و سوء تدبیر اقدامات آزادخواهان به فعالیت حساسا زبان آور و بر علیه دولت یگانه شاهکار و قاطع ترین اسامه آنان میباشد.

اینان بوضع محیط کاملا آشنا و میداند در مقابل چنین اظهاراتی دیگر راه فرار برای منجم نیست و جز تسلیم در مقابل اوامر آنان چاره ای ندارد.

یکی از این عناصر کثیف عبد القادر صابوری مامور ستاد ارتش است که تا چندی قبل از خوش رقص ترین پادو های سر لشکر ارتش و محیط بود و شاید قسمتی هم از گرفتاری های ملی سر لشکر ارتش مدیون خدمات صادقانه عبد القادر صابوری باشد که به کلی حیثیت او را در غروب لکه دار نموده و با گزارش های بی اصل و اساس خود احساسات مردم را بر علیه رئیس ستاد پیشین برانگیخته است.

این شخص هنوز دوسترنام مامور استخبارات ستاد ارتش مشغول چاپیدت مردم و پرونده سازی به منظور چاپیدن است.

اخباری که بدست میآورد بدین طریق است که چند نفر رجاله را اجیر کرده در میان شهر متفرق ساخته در رهت بیچاره ای که از اطراف به شهر می آید سراقش میروند و از او چیزهایی میبرند و رهت بیچاره که از هیچ

بقیه در صفحه ۸

فرار چند نفر دیگر ما به ملی رضا خان عبدالله درخشان رسول ولی آقا و غیره هم شاید از همین جنس دو یا سه چشمه گشته باشد.

مفتخر است اینها موضوع بازداشت یک پیره زن است در متجدد موسوم به «خانم لار» این پیره زن بیچاره دختری وجهیه دارد عبد القادر صابوری در دام متش او گرفتار شده.

بقیه در صفحه ۷

متن موافقت نامه

در نتیجه مذاکرات بین دولت و نمایندگان آذربایجان و باتوجه به بود هفت گانه ابلاغیه مورخه ۲۲/۲/۲۵ دولت که مورد قبول نمایندگان مزبور واقع گردیده و در نتیجه تبادل انکار توافقی نظر حاصل شده که مواد زیر که بعنوان توضیح و تکمیل آن تنظیم گردیده بموقع اجرا گذارده شود.

ماده ۱ - نسبت به مفاد ماده اول ابلاغیه صادره دولت موافقت حاصل شد که جمله زیر بآن اضافه گردد رئیس دارائی نیز بنا بر پیشنهاد انجمن ایالتی تصویب دولت تعیین خواهد شد.

ماده ۲ - چون در ماده ۲ ابلاغیه دولت مقرر گردید که تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی یا دولت خواهد بود بنابراین اجرای اصل برابری موافقت حاصل شد که وزارت کشور استاندار را از میان چنانچه نفر که انجمن ایالتی معرفی خواهد نمود برای تصویب بدولت پیشنهاد نماید.

ماده ۳ - نظر به تحولات اخیر در آذربایجان دولت سازمان ملی را که بعنوان مجلس ملی آذربایجان انتخاب و تشکیل شده است بمنزله انجمن ایالتی آذربایجان خواهد شناخت و پس از تشکیل مجلس ۱۵ و تصویب قانون جدید انجمن ایالتی و ولایتی که از طرف دولت پیشنهاد خواهد شد انتصابات انجمن ایالتی و ولایتی طبق قانون مصوبه فوراً شروع خواهد شد.

ماده ۴ - برای تعیین تکلیف قوای محلی و فرماندهان آن که در نتیجه تحول و هیئت آذربایجان لغات آن از افراد نظام وظیفه احضار گردیده اند و یا اعضای این فرار داد جزه ارتش ایران محسوب میشوند موافقت حاصل شد کسبوی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و انجمن ایالتی آذربایجان در محل تشکیل و راه حل آنرا هر چه زودتر جهت تصویب پیشنهاد نماید.

ماده ۵ - نسبت به وضع مالی آذربایجان موافقت حاصل گردید ۲۵ درصد از بودجه آذربایجان جهت معارج معالی اختصاص و ۲۵ درصد جهت معارج عمومی کلیه کشور ایران مقرر فرستاده شود.

تبصره ۱ - معارج و هزینه ادارات پست و تلگراف - گمرک - راه آهن و آکشی رانی در پایه ارضیه مستحق بوده و معارج و هزینه آن کلا بر عهده و متعسر بدولت خواهد بود توضیح اینکه تلگرافهای انجمن های ایالتی و ولایتی و دوایر دولتی آذربایجان معارجی نخواهد شد.

تبصره ۲ ساختن و تعمیر راههای شوسه اساسی بر عهده دولت است و اصلاح و تعمیر راههای فرعی و محلی عهده انجمن ایالتی آذربایجان میباشد. تبصره ۳ - دولت برای قدر دانی از خدمات برجسته اهالی آذربایجان به مشروطیت ایران و بنظور حق شناس

از قداکاریهایی که مردم آذربایجان در راه استقلال و آزادی نمودند قبول نمود که ۲۵ درصد از بودجه گمرکی آذربایجان را جهت تامین مصارف دانشگاه آذربایجان اختصاص داده شود.

ماده ۶ - دولت قبول میکند که امتداد راه آهن میان تهریزرا هر چه زودتر شروع و در اسرع اولت انجام دهد پسوی است که جهت انجام این امر کارگران و متخصصین آذربایجانی حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۷ - قوای داوطلبی که غیر از نظام وظیفه که بنام نهادی در آذربایجان تشکیل شده به زنده داری تبدیل میگردد و برای تعیین تکلیف قوای انتظامی نیز در همین تعیین فرماندهان موافقت حاصل شد که کسبوی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و انجمن ایالتی آذربایجان در محل تشکیل و راه حل آنرا جهت اصلاحات پیشنهاد نماید.

تبصره ۱ - نظر باینکه در سنوات اخیر بر اثر بعضی اعمال نام امنیه و زنده داری در دستگاه انکار عمومی ایران خصوصاً آذربایجان احساسات مخالف و نامناسی بوجود است و نظر باینکه رئیس دولت شهید سرانده می این سازمان را اخیراً معده دار گردیده و انتظار آغاز اصلاحات و تصحیح این اداره از عناصر نامالغ می رود موافقت حاصل شد که احساسات عمومی و خصوصاً اهالی آذربایجان نسبت به زنده داری باستعمار رئیس دولت برسد تا برای تغییر اسم آن و انتصاب نام مناسب جهت سازمان مزبور تصمیمات مقتضی را اتخاذ نماید.

ماده ۸ - نسبت به راضی که در نتیجه نهضت دموکراتیک آذربایجان بیان دهقانان آذربایجان تسلیم گردیده آنچه مربوط به املاک دولتی است با تسلیم خالصت میان دهقانان رزاقین در تمام کشور اصولاً موافقت است اجرای آنرا بلا مانع دانسته و لایحه مربوطه آن صادر اولین فرصت برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود و آنچه از اراضی غیر در نتیجه تحولات اخیر آذربایجان بین رها با تسلیم شده موافقت حاصل شد

که جهت جبران خسارت مالکین و با ترویج املاک آنها کسبوی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و نمایندگان انجمن ایالتی تشکیل و راه حل را جهت تصویب پیشنهاد نماید.

ماده ۹ - دولت موافقت می کند با افتتاح مجلس با زده لایحه قانون انتصابات را که روی اصل آزادی و دموکراسی یعنی با نامین رای عمومی - مصلحت منطبق و متناسب و متناسوی که شامل نسوان هم باشد تنظیم و قبول آنرا بقید فوریت خواستار شود دولت همچنین قبول مینماید بنظور از دیاد نمایندگان آذربایجان و سایر نقاط کشور بنسب اهالی نقاط مختلف ، بجز افتتاح مجلس با زده

لایحه قانونی را پیشنهاد و بقید فوریت تقاضای آن را بنماید . تا پس از تصویب بوسیله انتصابات ، کسری نمایندگان نقاط مزبور تعیین و بمجلس اعلی ازم گردد.

ماده ۱۰ - ایالت آذربایجان عبارت از استان های ۳ خواهد بود. ماده ۱۱ - دولت موافقت دارد که جهت تامین حسن جریان امور آذربایجان شورای اداره از استنادار و روسای ادارات و هیئت ریسبه انجمن ایالتی تشکیل و تحت نظارت انجمن ایالتی انجام وظیفه نمایند.

ماده ۱۲ - ماده ۳ - ابلاغیه مورد آردی بهشت ۱۳۲۵ که از لحاظ تعیین تکلیف مدارس متوسطه و عالی داری ایجاب می باشد جمله زیر اضافه می گردد. در مدارس متوسطه و عالی تدریس به زبان فارسی و آذربایجانی طبق برنامه وزارت فرهنگ که با در نظر گرفت شرایط زمان و مکان اصلاح و موافق موازین دموکراتیک و اصول مترقی جدید تنظیم گردیده تدریس خواهد شد.

ماده ۱۳ - دولت موافقت دارد که اگراد مقیم آذربایجان از مزایای این موافقت نامه بر خوردار نبوده و طبق ماده ۱۳ ابلاغیه دولت تا کلاس ۵ ابتدائی زبان خودشان تدریس نمایند. تبصره - اقلیت های آذربایجان از قبیل آسوری و ارمنی حق خواهند داشت تا کلاس پنجم ابتدائی بزبان خود تدریس نمایند.

ماده ۱۴ - چون دولت در نظر دارد قانون انتصابات جدید شهر داری را اجابت تمام ایران اصولی و دموکراسی پسین رای عمومی - مصلحت منسوی و متناسب و متناسوی به مجلس ۱۵ پیشنهاد نماید مجرد تصویب قانون مزبور انتصابات انجمن شپرداری ها در آذربایجان و در تمام نقاط ایران شروع خواهد شد و تا تصویب قانون مزبور انتصابات شپرداری های آذربایجان بوظایف خود ادامه خواهند داد.

ماده ۱۵ - این موافقت نامه در دو نسخه تنظیم و تبادل گردیده و پس از تصویب هیئت دولت و انجمن ایالتی آذربایجان بوقوع اجرا گذارده خواهد شد. تهریز بناریخ ۲۳ خرداد ۱۳۲۵

مقرر فیروز - پشه وری

از کرد

اظهار امتنان
در این فصل ناستان بعضی اشخاص هاری از مفردات در اثر خوردن شراب زیاد در احبار ، دو حال مرید کشتین و ما سزا گفتن تا دو ساعت از شب گذشته اسباب ناراحتی و سلب آسایش اهالی بیچاره دریند کردند را فراهم می آورند. در اثر شکایت اهالی دوبنده به اداره محترم شهر یابی تا ساعت ۴ از شب گذشته یک فر پاسان به محل در شد می فرستند اسباب راضی و آسایش مردم را فراهم آورده همرا اهالی معده دریند کردند با کمال تقدیر ، تشویق آقای رئیس شهربانی کرد و بقصد ادر محترم وسایر روسای ادارات دولتی کرده را خواستارند جان نلو - رستم صالحی ۲۷

ابلاغیه مورخ دوم اردی بهشت ماه ۱۳۲۵ دولت

از بدو تشکیل دولت ملی که امور آذربایجان محل اعتنا و توجه مخصوص قرار گرفت و اصلاحات آن سامان بجا نظر نمود پس از غرر و مطالعه درمنوبات آن هموطنان گرامی هیئت وزیران تصمیم گرفت تا مدی که قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه بقوه مجریه اجازه میدهد اعمال ساکنین آن استان بر آورده شده و با آموزش بساز آن هموطنان عزیز را پذیرفته و بوحسنت و اخوت دعوت نماید.

این است که تصویب نامه هیئت دولت که در این موضوع صادر شده برای اطلاع عامه ذیلا شرح میشود.

انتخاباتی که در قانون مصوب ریبخ الائی ۱۳۲۵ قوری بموجب اصل ۲۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ متمم قانون اساسی برای اجابت های ایالتی و ولایتی تصویب شده و در آذربایجان بطریق ذیل تصریح و تاییه میگردد:

۱ - روسای کشاورزی و بازرگانی و پیشه و هنر و حدل و نقل محلی و فرهنگ و بهداشتی و شربانی و دوایر دادرسی و دادستانی و ناظر دارائی بوسیله انجمن های ایالتی و ولایتی انتخاب و مطابق مقررات احکام رسمی آنها از طرف دولت در تهران صادر خواهند شد.

۲ - تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی یا دولت خواهد بود و نصب فرمانده محلی قوای نظامی و زاهدان حری از طرف دولت بعمل خواهد آمد.

۳ - زبان رسمی آذربایجان مانده سایر اداسی کشور ایران فارسی می باشد و کارهای دفاتر در اداره های محلی و کارهای اداره گشری بزبانهای فارسی و آذربایجانی (ترکی) صورت بگیرد اما تدریس در پنج کلاس ابتدائی در مدارس پس زبان آذربایجانی صورت میگردد.

۴ - هنگام تعیین عایدات مالیاتی و اعتبارات بر وجه کشور دولت دوباره آذربایجان ضرورت بود آسایشی و عمران شهر ها و اصلاح کارهای فرهنگ و بهداشتی و غیره را در نظر خواهد گرفت.

۵ - فعالیت سازمانهای دموکراتیک در آذربایجان و اتحادیه هاو غیره مانند سایر نقاط کشور آزاد است. ۶ - نسبت به اهالی و کارکنان دموکراسی آذربایجان بسرای شرکت آنها در نهضت دموکراتیک در گذشت توضیحات بعمل نخواهد آمد. ۷ - با افزایش اهالی نمایندگان آذربایجان به تناسب جدت حقیقی آن ایالت موافقت حاصل است و در بدو تشکیل دوره با زده متناسب پیشنهاد لازم در این باب بمجلس تقدیم خواهد شد که پس از تصویب کسری عده بسرای همان دوره انتخاب شود.

نخست وزیر - قوام السلطنه

حضرت اشرف جناب آقای قوام -
 السلطه هست وزیر جناب آقای سپیده
 امیر احمدی وزیر جنگ . کسیکه اکنون
 قلم بدست گرفته و برای نظام این کشور
 زاریشته تحریر کشیده است جوایز است
 که حاصل هنر شباب خود را در خدمت
 دولت صرف کرده و با مقدونی بسیار
 لاجز در یکی از دوزخترین نقاط کشور
 ایران در شهر سنقر بکارمندی اداره آمار
 اشتغال دارد . نویسنده کسی است که
 در اوامه شهریور ۱۳۲۰ بجز مردم و نهادهای
 و کارمندی دولت هستی و وسایل زندگی
 خود و خانواده اش را از دست داده است
 در سال ۱۳۲۱ که سن از اشتغال
 هناری در آمد طبق امر اداره . نویسنده
 مجدداً با اداره آمار سفر منتقل شده و در
 سال ۱۳۲۲ بر طبق حکم اداره مرکزی
 کل آمار پشاور بنگر و مسئول حوزه ۲
 کاتبه و نیش اش بیگنی منصوب شده و
 برای تجدید اوراق آمار حوزه بچهل
 مأموریت رفتن ... تحولات سریع زمان
 با تبدیل رجات طاقت فرمائی ناشی از
 فساد محیط مرا سال ۱۳۲۴ رسانید و
 شاید همین تحلی شده باعث وسفت و طغیانه
 مأمورین دیگر بر بود زیرا مسیبت
 بدستی و سبه روزی کشور برای انجام
 آمار و مقاصد شوم بجهتکس و معجز فری
 اپنا نیکندیک مأمور جزء ستاد ارتش
 (ساری) که فیلا شاگرد خیاط و سپس
 تیزاز بوده و ورشکسته بنامبر است پس
 از دخول بدست سر بازی دیگر دست
 بردار ارتش شده و هنگامی که نیروی
 اعزامی تحت فرماندهی خادروان از راه
 اربع به گردستان اعزام گردید (ساری)
 نیز در شبی برای پرکردن جیب طبع خود
 چه خاندانها را به بدت کرد ... مثلا
 (شیرازی) نامی را که در دعوات فیض اش
 بیکی آبله کرب بود چون (خیرینی و
 سن السکوت پاپوش ۱۱) تقدیم نکرده
 بود بنام یک دستکرات دو آتش ا پارتش
 ممرتی نبود و سر انجام بیچاره را بچهل
 دور دستی انتقال داده از آن قبیل زیاد
 است ...

در سال ۱۳۲۴ که بر حسب امر
 اداره منبوه هر حوزه مأموریت خود را
 کمال جهت مشغول تنظیم اوراق محلی
 بودم و در دیماه همان سال برای تقدیم
 گزارش اداری بدین برگشتم .

غفلتا روزی یک نفر دزدان یاداره
 آمد و مرا بحکومت نظامی جلب نمود
 بلافاصله توسط سواران متوجهی آمودان
 یادان سنر معاکه کشی خدمت برای
 اولین بار در قواموس زندگی خود یکمات
 و جلات تازه و دهی بخوردم و سترال
 های منهد ستار ایه تجرید مرا بیست
 امانت بود . مثلا کت شصا در
 مأموریت اخیر خود بدعتهان فیض اش
 یکی چرا به مهاباد رفتند و با ستوان
 میگرد از مالکین فیض اش یکی ۳۰۰
 که را می شناسید که دستکرات شده
 و با مهاباد ارتباط داشته باشند و در
 مجاساتشان چه صحبت هائی می کنند ...
 در پاسخ پادلایل منع گنم از کجا ثابت
 شده که در مأموریت چند روزه خود
 لورا مهاباد رفتن و بیان سرعت برگشتم
 در آن منظور من از رفتن به مهاباد چه
 بوده و منظور شما از اینکه اصرار دارید
 من با چند نفر و سر برترین و سارلی

نوشته : جلال حجازی از سنقر

باید از اول بشوید دست از حق حیات در محیط مردگان در کس اقدامت میکنند

مسافرت مهاباد رفته باشم چیست ۰۰۰
 آخر الامر نتیجه نگرفتم و پس از چندین
 روز آمد وقت بستاد . یک روز که به
 حضور سرهنگ مختاری فرمانده یادگان
 و حکومت نظامی سنقر باز ایتم ایشان
 با مصیبت گشته که چرا شما مأمور
 نیش اش بیکی ما و جبارا به مهاباد رفته
 اید . الان دستور بیستم شماره از خدمت
 دولتی منتقل بنا شده .
 بالاخره از ایتمه کتاب و خطاب
 با وساطت و شفقت محمد آقا عباسی
 رهائی یافتم و برای اینکه بار دیگر از
 خدمت سرهنگ مختاری کتاب و تشدد
 نثارم فرمائی نامه شماره ۱۷۴-۱۳۲۶
 یاداره آمار و طی شماره ۳۹-۱۳۲۶
 یاداره بهنداری سنقر اطلاع دادم که
 دیگر حاضر براتن به محل مأموریت خود
 نیستم و رونقست مراتب نیز به مقام
 حکومت نظامی ارسال شده بود .
 شاید تصور خود ظهیری و قانون
 شکنی بهین جا خانه یافت ولی ...
 تا ملایبات بیشتری در انتظار من بیچاره
 بود روزی بنا بدات معمول یک روز
 چه برای رفع شستگی هفت در منزل
 یکی از رفقا دعوت یک بیکی داشتیم
 و اغلب آنها کارمندان دوائر مختلفه
 دولتی بودند . ۰۰۰ روز جمعه را غافل
 از نیرنگ طبیعت بانوشی بیابان رسانیدیم
 چند روزی گذشت و یک شب که در
 میان خیال و اطلاع خود نشسته بودم
 مقارن ساعت ۲ از شب گذشته درب
 خانه ام را با شدت کوبیدند . دیدم رئیس
 دزدان بیست ۱۵ نفر دزدان در حیاط
 منزل جمع شده و رئیس دزدان اصفا
 با کسی ملایبت گفت آقا شما را از
 دفتر حکومت نظامی احضار کرده اند
 خواننده ارجمند شما خود حدس بزنید
 که نجمع این همه مسلح در حیاط خانه
 تا چه حد باعث اضطراب و گریه خیال
 و اطفال خورد سالم گردید .
 خلاصه به دفتر حکومت نظامی رفتیم
 و با نهایت تعجب دیدم تمام اشخاصیکه
 در آن روز جمع دورهم جمع بودیم جلب
 شده بودند معلوم شد آنها تفریلاز جرمی
 شده و بلا تکلیف بودند . نوبت به بنده
 رسید توسط ستوان یکم صبری بازجویی
 شده و می یابیم من در بازجویی تشریح
 کنم که روز جمعه چه منظوری جمع
 کرده بودیم با اصرار بیان میگرد که
 شما دستکرات هشتمه و نفع مهابادها
 کار می کنید ... این بار با پنج های روشن
 و حسان شنیده و پس از ۱ ساعت
 بازجویی بیفایده همه مارا مرخص کردند
 از آن موقع تا اکنون بدستور سرهنگ
 مختاری و طبق گزارشهای مترادف
 میدانم مابری چندین بار مراجعت
 و در هر بار مردم بیچاره دست گرفته
 کسی نیست بداد مغلوبیت مرسد
 سوال گنم آقای مختاری بخشه از نظامی
 سنقر چه مجوز قانونی و بدون مدرک
 همه آمیزی از اهالی را در زندان
 شهر بابی و دزدان مذهب یادداشت گردید

و برود شدن با پاپوش و کلاه سازی
 ساری حاضر کردم به خلاف همه انتظار
 ها که کسی طولانی است این بار
 انتظار مت بزودی بنامه حمل و
 ظهور رسیده .

تصادفا چند روزی قبل از یادداشت
 شور یا نیم بجزگوز آقای قریشی رئیس نسلی
 فرهنگ سنقر یاداره آمار آمد با حضور
 رئیس مربوطه بنده را نزد خود خواست
 پس از معرفی با کمال دقت بنده را نگاه
 میکرد اظهار نمود که شما (حجازی)
 هشتمه عرض کردم بلی بعد کت سبحان
 افه تصور میگردم حجازی یک نفری است
 که هر انگشش با اندازه اوله به هاری
 (که در اطان رئیس اداره بود) گفت
 است و صحابه یک لیلی و شبانه یک
 شتر می بلند حالا بر خلاف آن مشاهده
 میکنم عرض کردم قربان موضوع چیست
 کت هیچ مایل بودم نفعش را ویشتم
 معلوم بود در حد اعانت نزد سرهنگ
 مختاری بود و در اعازاف من صحبت هائی
 شده مجددا در حد پاپوش سازی و
 لیرنگهای تازه ای بودند (با کت نگذارم
 آقای رئیس فرهنگ یکی از رفقای صیبی
 و مخصوص سرهنگ مختاری مسی
 باشند) پس از رفتن ایشان اشعار ایسو
 نگاری مجددا برام روی آورده که
 خدایا این لیرنگ چه لیرنگ تازه است
 در خفا کار میکنند نیش بشا داده منتظر
 مصاب بودم

روز یکشنبه ۱۲۲۵ ۱۳۲۵ دو
 حمام بودم باز هم غافل از اعدالنگین
 سیه کاران مشغول نظافت بودم که ناآه
 سرو که یک دزدان مسلح و یک نفر پاسبان
 در میان اندامهای لغت و هر پان مردم
 حمام عرض انجام کرد و با صدائی گند
 اهنجاب را باسم صدا کردند .
 باعجله لباس پوشیده و به سمت دزدان
 و پاسبان بسترل خود راهشائی شدم چه
 دیدم . ۱۱

نام سر کوجه ای منزل خانه شخصی
 بنده توسط پاسبان و نظامی مسلح بیست
 بندی شده بود
 و هیوز و مرور از محور منزل بنده
 بر اعدی مجاز نبود آنها یک بیشتر در
 کار ها واردند من دانند که این اندازه
 سخت گیری و سخت بندی مسلحان برای
 برای کارش منزل یک یا چند نفر کارمند
 و کاسب جوجه بازاری تا چه اندازه در
 روحه مردم مؤثر بودم تا چه حد اسباب
 گفتگو و تفسیر های مختلف شواهد شده
 در حیاط منزل بنده آقایان سروران خسروی
 دادستان ارتش و ستوان شاه بخشی رئیس
 دزدان و سر بر و استکار رئیس شیرینی
 اینانده بودند و در اطافهای مسکونیم
 بازم شیوه فریاد اضطراب زنیچه
 و مادر پیرم معشری بر پا کرده بود .
 اظهار شد که طبق حکم کشی جناب
 سرهنگ مختاری فرمانده پادگان و حکومت
 نظامی سنقر موطبق منزل شما را بلزری
 و کاوش نمایند .
 ابتکاش که از همه این تحلیقات و
 تجسسات و از همه این بازرسی و بازرسی
 ها نتیجه نفع مبین گرفته بنده ۶ ساعت
 تمام بیش در ۳۶ دقیقه که یک بکنفر خارج
 در چند دقیقه آن از من و فکر خود
 نفع کشور عرض ابتکار و اختراع قابل
 توجهی تراش میدهد منزل یک کارمند
 بقیه در صفحه ۶

تاریخ و ریشه نژاد کرد

(۱)

دیباچه

استاد محترم، آقای رشید یاسمی، با انتشار کتاب «کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او» خسار و سنگلاخی که بر سر راه مسافران تپیت هویت نژادی کرد بود برداشته، راه را صاف و هموار کرده است.

در نتیجه تنبیح زیاد آجری که در خصوص این ملت نوشته و کشف شده است جمع آوری و بنگان بنگان در کتاب خود قید نموده مطالبات ذی قیمت خود را نیز بدان افزوده است.

چون باوقه حقیقت از تصادم افکار نمایان میشود نویسنده در صورتیکه حیرت علمی خود را منصرف است و در زبان فارسی هم کامل نیست از آنجا که قسمتی از بار مصائب این ملت سندهیده را بر دوش دارد از استاد محترم جرات گرفته اکثر جاها عبارات کتاب ایشان را عیناً اقتباس و الفاظ کردی امروزه را با اسامی گوتی، کوسی های قدیم تطبیق و تدقیقات و مطالبات نا چیز خود را هم بدان علاوه نموده به نوشتن این مقالات مبادرت مینماید.

کتاب تاریخ «کرد و کردستان»

بزرگان کردی از خامه ذی قیمت فاضل محترم و نویسنده بزرگ کرد جناب امین زکی بیگ در نگارش این مقالات این جانب را نه تنها از تدقیق و تنبیح زیاد بلکه از دادن توضیح هم بی نیاز ساخته است زیرا کتاب مذکور از هر حیث کامل و جامع میباشد. فقط ناگفته نماند که ملتی که با برقی ششیرهای خود به روی تاریکی تاریخ و هویتش انکته و در همه ادوار با نهیب و شاد و غیرممانی خود کشورهای دور و نزدیک را سوزانید حیفاست آن لقب مردانگی و جنگجویی او که لفظ گرن است صحنه سلطنت و حاکمیت بر افتخارش را از چشم دوست و دشمن مطلق بدارد.

ملتی که خشت های پایه با عظمت ایران اول را با خون مقدس جنگاوران خود بهم چسباند و از میان اولادان عزیز خود مثل زرتشت را پدیدمیران سلسله های پادشاهان و سردران بزرگ و صاحب جاه و جلال بار آورده برجم ملی خود درفش کاپیانی را بر فراز تصور سلطنتی کله - آسور - هنه و اتقان و اقتدار دور تر از ایشاپاهت را آورد از اصفاف دور است که از آن مفاخر ملی خود محروم مانده بک قوم جاهل بی نام و نشان معرفی گردد.

اگر این مقالات بتسوانته برده تاریکی را که روی اینت حقایق کسترده شده است پاره و پلند کننند سرورم

احسان لوری

ریشه نژادی کرد

ملت کرد در اعصار خیلی قدیم در تحت نامهای مختلفه در حشر و نشرش شرکت داشته، الماسر فرمانفرمای آسیای مرکزی و باختری را در دست گرفته است

تاریخ مناقب دلادری و کشورگشایی این قوم را به آن نامها قید کرده است.

گرچه قرال لاغاشه، آداد - ناراری دو هزار و چهار صد سال قبل از میلاد از مشورت گاردا - بهت کرده و دو هزار و دویست سال پیش از میلاد هم کمیل سین پادشاه اور - سرزمین کردها را به امیر ورتن فر سپرده بعدها نیز کتیبه های آسور از نام نلات گاردا ذکر کرده و اگر چه دو

سال ۴۰۱ قبل از میلاد - سزقون سردار و مورخ یونان فرمانده ده هزار نفر وقت که از ایران بر میگشت در دوره های زاخو (زردیک کوه جودی) با ملت کارو مصادف شده و در ۳۳۴ قبل از میلاد هم اسکندر مقدونی که با ایران حمله نمود با ملت کارو در نبرد شد

بهین مناسبت آریستو ولس نویسنده اسکندرنامه که در کتاب اسکندر

بوده توضیح میدهد: «و وقتی ما را شنید که اسکندرمی آید، سی هزار هزار و سی هزار پیاده اطرف رودخانه سیناروس فرستاد که موضع بگیری و جلوی آشکره مقدونیه سی هزار نفر موظف یونانی در پیشان شصت هزار از افراد کرد داک کشت کرداک طایفه ایست که در جنوب دیوارها و ان متوطن هستند» لیکن ملت کرد امروز تنها آن کاروها نیستند بلکه کاروها ما را بپویت اصلی کردهای امروز هدایت می نماید.

تاریخ علی السومرین این کاروها را حوزة بالای دجله و فرات و ناحیه کوه جودی نشان میدهد. مورخین قدیم میگویند «فریه پترنا نخستین قریه میباشد که پس از طوفان لوح در نزدیکی جودی ساخته شده است»

آرامی ها این ناحیه را گازارتا کارو خوانده اند (دو پهلایادیست بیلی شال خاوری نایل شوری وجود دارد باسم گازارتا)

بشی ما عقبه دارند کوه جودی اسش را از نام قومی جوتی یا گوتی گرفته است که قبل از تاریخ مردان - سکوت داشته اند و منایش قهرمان - جنگجو و با گرد بوده است. امروز طایفه کرمانج کردان و جنگو را «ژهای» میگویند که سکنت است از ژوتی و جوتی آمده باشد در این صورت قومی که اسش را به کوه جودی و به ده بفردا داده یکی است و آنهم ژوتسی «گوتی» بوده است.

لوخته های مکشونه نهایت گوتی ها را در مناطق مذکوره تا ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد رساییده در آن تاریخ پادشاه کردی آناتوم با عیلامها پیکیده است نام سرزمین لولویوم و گوتیوم در نوشته های عهد سارگن پادشاه اکد دیده شده است هر چند لولوی ها را

اجداد را تصور می نمایند لیکن لرستان جزء منطقه ازان بود که سکنه اش از قدیم کوسوها بوده اند که در حدود میلاد در جای خود موجود و بند هاهم کسی ایشان را از آن مکان تغییر نداده است (در خصوص این کوسو ها بعدا توضیح داده خواهد شد)

لوروی ها تا زمان سلم النصر سوم حکومت داشته اند در سال ۸۲۸ قبل از میلاد دولت آسوری حاکیستان را خانه داد (امروز افراد طایفه کرمانج میخوانند همدیگر را صدا کنند و یا در صحبت بیکدیگر را مخاطب قرار دهد اکثر به جای اسم طرف «لولو» خطاب می کنند ممکن است دلیل بر نزدیکی ایشان با طایفه لولو باشد)

لر نامش را از اسم شهری گرفته است که در منطقه شرقی دزول بود - بانوت حوری میگوید: «ار پاک طایفه کردی است که در کوه های بیست خوزستان و اصفهان سکونت دارند» کتاب «تاریخ پشتیباری» هم توضیح میدهد:

«صاحب زبده التواریخ نویسد که لر را بدان جهت لرگویند که دولايت هان روڤ قریه ایست موسوم به گرن و در آن حدود در بنی است که آنرا به زبان لری گول غر واندند و در آن در بنده موضعی است که آنرا لسو خوانند چون اصل این جماعت از آن موضع بر خاسته شد. لران نامیده شده اند»

«لوسال زاکیس پادشاه گوتی دو هزار نهمه سال قبل از میلاد قرال ارخ و موسس بوده است. دکتر سیازرمده می است که نظر به اسماء خاصه سومر در عهد پیشین قدیم در ولایت سومر هانسر گوتی زده گالی میکرده اند (تاریخ کرد و کردستان)

ملت گوتی در اواسط عصریست و ششم اکد - سومرو عیلام و اشالو مدت ۱۲۵ سال و چهل روز در پابل سلطنت کرده اند بعد پادشاه شهر ارخ

اگون لوسال (از اسمش معلوم است که این پادشاه از نژاد گوتی بوده است) پادشاه گوتی، لریگان را مغلوب کرد در نتیجه انقراض دولت گوتی در حدود سلطنتش ملوک الطوائف بوجود آمده در شمال شرقی عیلام و لایش بنام ازان، اشان مستقل شد (از ان معنای کوهستان بود که امره زدر زبان کردی نوزان گفته میشود)

چون لفظ گاردا به ازان وقایع پیدا شده است باید گفت دو این تجربه گوتویان که در حوزة بالای دجله و فرات مانده بودند نام گاردا را بشود گرفته اند که اکد و سومرینا قهرمان، جنگاور و پهلوان را میگفته اند بشی مترادف گوتی بود. گاردا بالاخره گوردو و کوردو شد. امروز کردهای آن حوالی مردان جوان خود را خورتو میخوانند که از سردود آمده است

خلاصه يك كتاب

«۴»

اقتباس آقاي ت. امينيان

همسر مبین

زویای تاریخ راوی و شاهد حال هزاران نفر مردان بزرگوار است که مهر مبین خود را با جان و مال فداایل مقابله نمائند و بالاخره جان را باخته ولی وطن را نبرشته اند:

و در برابر میبلوها وجه نده حاضر به خیانت و فروش آب و خاک نکردند و انتظار جاویدانی را بنا بر بنام موفت میدادند نکردند و ارزش مادری را و ولایت مبنوی معاوضه ننمودند:

در ستراتی که انگلیسها میخواستند هندوستان را بیعته تصرف در آورده و نفوذ خود را در آنجا مستقر سازند یکی از راههای هندی با یکدیگر مستقیم کوچک سفارت وارد مذاکره شده در صورتیکه مستخدم مزبور حاضر باشنا

اسرازه شود راه او را در مابلک خود میبم و شریک گردانستی دختر خود را بدهد و آورد کارمند سفارت وقتی فکر کرد در

مقابل اینت ثروت و نعمت باستانی خیانت نماید و بالطبع خیانت او بشردان انگلستان تمام خواهد شد: پیشنهاد راه را رد کرد و از دولت و دختر مادم السرخود چشم پوشید

بسی از کلامت مادم دیگر انگلیسی در اثر شیخ و غطا دچار جنایتی گردید که طبق رای محکمه به او ازده سال زندانی محکوم شد، بیکتر از معتدترین هندوستان باو بیایم داد در صورتیکه حاضر خود و فلان موضوع را افشاء سازد خصص مزبور

بوسیله ایسالمطه هندوستان طغوارا از پادشاه انگلستان خواستار میگردد چون زندانی احساس کرد آشکار شدن این راز باعث لعنه به سیاست میباشد خواهد شد از خلاص خود مددت خواست

و همچنان با وجدان آورده و سرافراز منتظر غایب مدت زندانی خود گردید اینگونه فرزندان میباشد که برجم

مبین خود را بر اطراف و کتاف جهان بر افراشته و تمامی و ترقی آب و خاک و مولد خود را تقدیر مینمایند.

ما منکر نیستیم که در هر قوم و ملل در افطار گیتی از این مردان فداکارو جان نثار هستند اما خوشا بحال ملتی که اکثریت مردمانش از این صفت

شریف برخوردار و کامیاب میباشد. ملل سرمایه دار (دولتهای استاری)

برای راج جوع البقر خود یک قاعه کنی و مدعیان لومی را مستحک و دست آویز ساخته که ما برای تصفی اخلاق و تبلیغ ملل بر خود فرض میدانیم که سایر ملل کوچک و عقب افتاده را نظارت و سرپرستی

کنیم: بعدها سال است که اینت جمله خوشی ظاهر و بدیابن باعث شده که میبلوینها مملوق نمت اعظم شرق کار

شیرده و طلای دست انتشار ملل غرب یافته و بدبختانه این مدرسه تعلیم و تربیت ملل کوچک هم که بوسیله بیگاسگان اداره میشود ممکن نیست در قرون

واعصار بخودی خود خانه پذیرد و دانشجویان آن آزاد و دیلیه شوند مگر بوسیله فداکاری و از خود گذشتگی که آهم حاصل میشود مگر بواسطه حب وطن پرستی و نزع دوشی بدبختگونه که فردی یا جمعی با پتار جان و مال خود دیگران را از فدا اسارت برهانند

بلام آفای محمد مردوخ آیت الله کردستانی

کرد و کردستان سنه اردلان

- ۵۹ -

چون در شماره گذشته در چاپ قسمت تاریخ کرد و کردستان اشتباهات چندی روی داده بود اینک برای اینکه تصحیح شده باشد همین قسمت آخر فصلی را که در شماره گذشته چاپ شده بود با تصحیح آن مجدداً از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم.

در تاریخ (۱۲۸۰) هجری ملا فتح الله قاضی و ملا محمد امین الاسلام و ملا طیف الله شیخ الاسلام و ملا محمد صالح نصرالطایف و جمعی دیگر از امره و ایمان کردستان از حکومت والی و وزارت میرزا محمد رضا ناراضی شده به حرم تشکی و همیار تهران میروند. از طرف دولت برای رفاه احوالی مالیات عدلت در دیوان دولتی تعدیل میشود و پشم هر دهکده فرمان مخصوص صادر میگردد. میرزا زکی مستوفی دیوان هم حساب الامر هارونی بست پیشکاری ملا محمد خان و رسیدگی بوضع تعدیل مالیات روانه کردستان میگردد.

در سال (۱۲۸۱) هجری باردیکر به تحریکات اهل شهر سلاطین اورامان بیرق طغیان بر افراشته شروع بنات و ناز میشانند.

میرزا زکی تاب تحمل ناپاورد، تعدیل و او بدربار مروض میدارد. از طرف دولت غلامشاه خان ولی با ۳۰ فوج ۴ ظفر کردستان و چهارده عراده توپ و سه هزار تنگچی چریک مأمور قلع و قمع اشرار آسمان میشود و والی با سمیت خود از راه جوانرود و همیار لپون میگردد. بقره (پاوه) که میرسد علی اکبر خان شرف الملک با سیاهابو اجسی خود دلیرانه بکنار سیروان میشانند در (هروی) به پیش فراوان اورامی خورده پس از مختصر زدو خوردی اورا مهتاب مقاومت یاورده فرار میکنند. شرف الملک با فراغت خاطر از رود سیروان میگردد و غیر گذشتن خودش دال از رود یوالی میدهد. والی هم بدون درنگ با لشکر و توپخانه بشف الملک ملحق میشود محمد سید سلطان شریعور اورا از رود سیروان میشنود بدون استطاعت سودا تخلیه نموده با خاس و عم اورامی و همیار شهر زور میشوند و پناهنده به خیضی ابامیده میگردند. مدت سه ماه بزرگ قهر و خوروشه در بالای لاسود باغ تراز در آمده سپس محمد سید سلطان در میت شیخ عبدالله رحمن پسر شیخ عثمان که پسر سلسله نشینیه بوده با محمد پاشا رئیس عشائر جان پناهنده باستطیل والی میشود پشاهان شیخ عبد الرحمن و محمد پاشا و دادن سه هزار تومان بزم محمد سید سلطان مورد ضو و بهیاضی شده کسان فی السابق حاکم اورامان لپون میشود و والی با اردو شهر مستعد مراجعت میکند و مراتب را بر سر دربار میرساند در نتیجه مورد اطفاف ملوکانه شده به لقب (شاه الملک) منتظر و سرافراز میگردد.

خطاب (زاری) به (وطن)

ای وطن نام رو بهاره سیری کویسات اکم سیری سوزی میرگو باغوانو بی سات اکم سیری دشتی بر گل و سربنو دیحانست اکم سیری شیودی لاره کانی شارودی کانت اکم

هینده خوشی ای وطن واخوبه قوربات اکم خاکو خولت ای وطن وکسره بوچاری منه میلی تولم دو کسوه تا مردنم دادی منه یانی ما عشقی اتوهم ناو هم آوی منه هراوه مابئی حیسانی روحسی فتواری منه

تا بهینم هر تنبا بواید سات اکم خوابکا بی یرده وارو شیرسه کانت بینه در باغی آواتسی منوتو هر دو پیکیوینه بر تود گل شیر کوله کانت دسه له گردون بی خطر منه گل آرامی دلدا پیکیوینه و تا سحر

واله چاوی بد حواله حفظ پردات اکم ای وطن تو منای شیرینی امت فرهاد نوم عاجز و دل پسر برین آواره و ناشاد نوم من که برورده به شیری منکی استمه اذ نوم حاضرم بو خدمتت تا هم که من اولاد نوم

خدمتیکه واکه گیانی خو فدای گیانت اکم ای وطن بوجی و ما شیوا وی کیف و کزی دورسه سووک من برپشانو ملولو حاجزی واه داشی بی دمساشی تو هه و اعضازوی سینه لالت دل کبابه بندی جرگم داخزی

تا وهانی ای وطن هر شینو همزیات اکم ای وطن آکسابه واروژی امیسی تو هلات دپته در زنجیر طلسمی دژمنالی توله پسات بوتهانی توله ملکه داوی طالع مزوده هات

دوله کانی توله خوشی توبه کونوفه ولات بویه روز و شوه و دعای توفیق لاوانت اکم زوله هر کس آرزوی برزو ترشی توکاک بیسا دسی برانو دسی اینو دودی توکاک توه کوشینو بی نکیبت له سر تولابنا دولتو کیانو سری بو رستکاری توه دا

من که «زاریم» گیان شیرینیم به قربانت اکم

اشمار فرق را آفای ع. ا. از سفر ارمان داشته اند

روزانها بر صیقل

جناب آقای نخست وزیر - رو نوشت وزارت جنگ - رو نوشت ستاد ارتش - رو نوشت روزنامه گوهستان در نهایت تأسف و اامیدی برض عالی میرساند: فدوی محمد کالی سانی فرزند مرحوم محمود کالی سانی پندار هشت ماهه جزو شکنجه و در بدوری متواری شدن از دست مأمورین و فرماندهان وقت پسر حسب اوامر و تأمین سرلشکر جهانیان و فرماندهی لشکر کردستان در اوغرابلیز به دهانی که جز یک تبه شک سوخته و ویران مشاهده نمی شد مراجعت، با اینکه تمام دارائی و املاک بیابول، هر چند برض فرماندهان وقت رسانیده نتیجه نگرفته، با این وضع چون حتی گدائی در وطن را مقدم بر بهترین زندگی خارجه داشته به انواع سختی و خانه خرابی سکونت - فرمانده لشکر دستور ضلع سلاح فرمودند بسا کمال میل در حدود سیه دقچه که داشتیم

تقدیم بفرم در اقله مستعد - تهرمان امر فرمودند اطاعت، دوستی مدارا اطلاع از فوت پدرم مستند اجزاء فرمودند بر خلاف تمام رسوم دنیا بدون اینکه توبه بگذارم فوراً با هزاراحت برف - سرما مستند شریاب مدت دو ماه بدون دستور لگه داری و کوچکترین فرمایشی فرمودند. چون تقیه را این طور دیدم جهت تصدی ذهن منظم الیه در حدود سه هزار تومان املاک واقعه در میوان راضانه بر املاک خود اجازه و بیرون مراجعت بخش ورود تمام رو نوشت و مدارک اجازه و مالکیت خود را بفرمانده پادگان میوان تقدیم، پس از مدعا هر چند و تضرع بی نتیجه و بر خلاف تمام قانون دنیا کتابی مرقوم داشت حق تصرف ندارد به تخریب کشک چنان معلی ادهم حالت و چهار هزار تومان گرفته تقیه آشکار بقیه در صفت

باید از اول بشوید دست از حق حیات

بقیه از صفحه ۳
دولت را کوش کرده و حتی کلیه چندان و اسباب و اثاثیه زمانه او را فدای دولتی و استاد جعلی و پرورنده های پسرستانی و حتی دختر چه خانه خدمت سربازی و برگه شناسنامه ام را به وقت از نظر گذرانده

باور کنید اکنون نیز همین به خود آنها نینداخته در چسبوری چه گفته ای هست

سر اجام در ورته نگاه نظر آنها را جلب کرد که در اولی صورت اسامی اشخاص مختلفی از روحانیون و تجار و کسه بود که در بهمن سال ۲۳ جهت اسم گذاری یک فرزندم آنها را به شام دعوت کرده بودم

دومی صورتی بود از اسم چند نفر کلرته اداری و جمیع آوری میانی جهت شرح گردش روز جسم بهار سال ۱۳۲۱ بسمت آنها به شهربانی رفته و در آنجا طلب صورت مجلس تنظیمی مامورین کوش منزل اضافه کردند

و متفکرند که در منزل من برگه ای که دال بر مطبوعیت باشد بیافته اند

ولی با این حال مدت ۵ روز بسا چندین نفر دیگر از اهالی که معلوم شد منزل آنها را نیز کوش کردند در زندان ممانعت گویا بازداشتی های دیگر که مانده من بجم دولت

خوشبختانه در موقعی که این جانب ۸ نفر دیگر از اهالی سفر بازداشت بودم سرهنگ مختاری پاریس فرزندک سفر به سنج رفته بود و در سنج شهربانی محلهم که دلیل رخصت او اندامم زیرا که اهالی را که اجام میداد طبق دستور کتبی سرهنگ مختاری بود فوراً صورت مجلسی را که دلیل بیگناهی ما بود با اضماع اظهار نظر خود برای آقای سروان منوچهری کلکل حکومت نظامی ارسال کرد مشار الیه با اضماع گزارش شهربانی امر با آزادی ما معسویت داد با اینکه در موقع این همه بکسر و بنه فرماده لشکر کردستان سرتیپ هایونی در سفر بودند و شاید بعضی از قلمروی و تعدی سرهنگ مختاری و مقصد جونی و کلاه سازی (مبارز) آگاهی و اطلاع داشتند چرا برای رفع این ظلم و تعدی اقدامی نکردند امداد است ایشان نیز برای اطلاع این نوشته را با دقت بخوانند

چنان بالا هتری از اضماع ارجاع و لا درونی هائی است که یک نفر فرماده یادگان و یک نفر ماجراجو و بی حقیقت بنام مباری در کنوود مومو کراسی ایران دو دودترین زوایای پانزنی ایران در شهربیکه انوار محبت و عطوفت دولت مرکزی بدست حال و سیه کارانی مثل قهرمانان این ورته نظم آمیز تاز و مار میشود لیس عمل پورده است

در خانه بنام آزادی و عدالت بنام اعاده حیثیت و شرف بنام صداقت و وجدان نسبت به فقره سناگمه و باز جویی بدون دلیل و اساس و تقیث و یازوسی منزل و مادی خود پوین و زباز

بداد ما برسد

بقیه از صفحه ۵
و هلنی عوش اینک رسیدگی فرمایند آدمم را بازداشت و دلاق زده چندین بار بوسیله همان تفنگچیان معلی که گهی راهزن و پول پیدا کن و جوجه جمع کن و گاهی امنیه محل نامیده بشوند هاتم را چربیه پول روغن و گوسمه گرفتند با این همه تعاضیل هر ساعت بنده را اخطار و تهدید و مدت یک هفته در کالی سانان جرات نداشت از دست دزدان تحریک شده بیرون آیم و خن شهت نفر تفنگچین برای هلاکم فرستاده هر ساعت به نحوی در حد از بین برداروند

نیدانم چرا ؟
چه اوصاف و چه نازدن بود بنده مدت دو ماه در سنج بودم اگر حکومت و گناهی داشتم به پای خود آمده بودم مقابل قانون کردن از موی بار بکنم و الا زمامداران کشور و روسائی که از حال ما اطلاع ندارند در این مناطق سر حدی چه بدبختیها بسر ما در می آورند

آخر الا مرهم بوسیله گزارش های پلنه بالا مارا اشرار محسوب و برای فروش تفنگهای دولت دستور کشتن و زود خورد مارا میخوانند چرا به امدادی دست در با اضماع نشسته مامورین را بجان ما می اندازند هر چه داد میزنیم بداد ما میرسد هر وقت هاتمان میباید اشرار اشرار با توب و طیاره و تفنگ جان ما میانند

آخر اوصاف بدعیده خود و اطلاع نامم در حدود ۷۰ الی ۸۰ ده مصرفی هستم اگر افلا اطمینان از جانم ناموس داشته باشم چگونه بیروم اشرار شوم و یادار بالای گروه زندگی تمام بشر هر چه هم وحشی باشد اینقدر حس دارد که در خانه نشستن و راحت کردن بهتر از گرما و سرما و گرسنگی و در بدوی گوه هاست ملک ما ما میرند تهدید بمرگ می کنند زجر و زحمت میدهند انواع نوابغ به سرما در می آورند اگر از زور گرسنگی فریاد بزنم گوش نداده و بیشتر مامورین و اجری میباشند درد دل زیاد است جرات گفتن نداریم

با میده رسیدگی و احقاق حق آواره از دست ظلم و ستم جان شار معده کالی سانانی

داشت غیر قانونی خود نسبت به آقای سرهنگ داراب مختاری فرماده یادگان سفر اعلام جرم کرده و نیز از تعدی و تهدیدات و گزارشاتی بنی اساس عبدالامور صابری که خود را مامور مأمور سند ارتش میداند در مقام نظم برآمده جدا استدها و نقضای رسیدگی دارم و اگر برای چندمین بار آقای سرهنگ مختاری و عبدالقادر صابری اینجا بسر تهدید نموده و باز هم بسرایم اشرار بیآورند راه فرار اختیار میکنم آقایان متصدیان امور کشور برای اتیان حق و عدالت و تحریک بنیان قدری و کلاه سازی بشکایت حقایق رسیدگی فرمایند

الذکی پیش تو گفتم عمل ترمیدم که دل آزرده شوی و نه سخن به ارامت

چهارمین سال ایران ماه

هفته گذشته روزنامه «بازار ایران» (ها) وارد چهارمین سال انتشار خود گردید

روزنامه ایران هادرمند انتشار بیوسته در صفوف مقدم مجرای آزاد بخوره قرار داشته و با مبارزه های دلیرانه وظیفه مطبوعه های خود را بشو شایسته ای انجام داده است

نویسنده آن با وجود تضاد با موانع روشنگرانی که همیشه در راه اصلاح طلبان قرار دارد هیچگاه شجاعت و پشت کار و از دست نداده و با جدیت و کوشش قابل تندی مبارزه خود را ادامه داده اند علاوه بر اظهار خرسندی از انتشار

موفقیت آمیز این روزنامه و تبریک ورود آن چهارمین سال انتشار لازم می فرمایم بنسبیت مقالاتی که در موانع حساس راجع بگردو کردستان بوسیله نویسنده آن نگاشته یافته و برای معرفی برادران ما هم صدا شده اند صبیانه سیاست گذاری

نایم
آردی وقتی اتمش شخصی گذار گذارده شود و روزنامه ای بشواهد موضوعی را بنظر فرانها قضاوت نماید نظما هم آهنگی و صمیمیت ایجاد خواهد شد

آگهی
عزت اله نامداری در خواستی به درگاه بخش کردستان تقیم که بانو خانم نامداری مقیمه دائمی سنج فوت بوفه وارث از منحصر به یک پرس «مستطاب» و یک دختر «راست» میباشد

باز استفاده از کلیه تسکیم متوجه باشند گواهی نامه معلی و شناسنامه صدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب به بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج می نماید اگر کسی ولد خواهی دارد یا وصیت نامه سری بارسی ارد او هست از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر میشود

و تیس دادگاه بخش کردستان - خیابانی ش. آ. ۲۸-۱

و تیس دادگاه بخش کردستان - خیابانی ش. آ. ۲۹

و تیس دادگاه بخش کردستان - خیابانی ش. آ. ۳۰-۱

و تیس دادگاه بخش کردستان - خیابانی ش. آ. ۳۰-۲

و تیس دادگاه بخش کردستان - خیابانی ش. آ. ۳۰-۳

و تیس دادگاه بخش کردستان - خیابانی ش. آ. ۳۰-۴

انتشار شماره شرب

اولین شماره روزنامه شماره شرب بدسترسیت آقای سلیمان یونس هفت گذشته انتشار یافت

سیک جاب توجیه و مندرجات یسنده آن از هر صحت شایان تندر بود آقای یونس مدیر و صاحب امتیاز «شماره شرب» با اعلامه کاملی همیشه در راه تاهین سعادت شرب نشینان ایران کوشش داشته و اکنون که با انتشار روزنامه «شماره شرب» موفق شده اند امیدواریم بهتر به تواتر در انجام خدمات ملی خود توفیق بیابند

کارکنان روزنامه کوهستان موفقیت ایشان و سایر همکارانشان را از صمیم قلب ستایش می نمایم

تغییر نام فاعیل
چون نام خانوادگی اینجانب بافر صدیقی از کله صدیقی به ۳ صدیق وزیری تغییر یافته لذا مراتب جهت استحضار آقایان محترم و دوستان گرام درج میشود متنی است من بعد رعایت فرمائید

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

باقر صدیق وزیری ش ۲۵

گفتگوی دو افسر دموکرات

گذشته روز چهارم خرداد سه نفر افسر باورنیفوم رسمی حکومت مهاباد وارد سنز شده اند من برای صحت و سقم این غیر به کار زرقم .
 یک ماه پیش بازی که بلاک حکومت ملی کردستان نره ۲۴ را داشت در آنجا ایستاده دیدم که پرچم سه رنگی هم در جلو آن نصب و بارچه سه رنگ آن را نسیم ملایم کوهستان های بساختری باه زرق در می آورد .
 شهرمان روز افسران دموکرات درحالی که سه نفر فدائی با لباس سربازی از هفتیان روان بود بیان بازار آمده بود بر کسی که میرسد به پناهایت ملائمت و مهرمانی سلام میدادند .
 چیزی که قایل توجه و تعجبیت بود رانارسرپازان و افسران ارتش با افسران دموکرات بود در سه جا افسران و گروه بانوسرپازان بهیمانان دموکرات احترام می گذاردند .
 اما گاهی حسن نیت و سیاست کاردانی یک شخص بزرگ در مورد بخصوصی ترسناک عمل نماند . بکنتر رجاله بی آردمان از نظرها پرسیده می شود .
 دولت مرکزی دستور داده بود که در مورد بهیمان دموکرات ، نهایت احترام از طرف مقامات ارتش مسون خود این دستور الحاق خوب اجرا شود و قطعا بهترین ارفمان و خاطرهای که افسران دموکرات مهاباد با خود همراه برده بود کردستان شمالی زبا ازدهوم خواهد شد احترام و بی نظمی خاصی است که مقامات نظامی دوستر بر روی آن و قائل شده .
 ولی در بن مورد بخصوصی که حسن شندیس محترم دولت از غلار آن خبری نبودار بود مسیبن وانسی سه روزی ناامنی کشور دست از تحریکات برآمده و باز هم بار دیگر چهره شوهر هیمان ناروای خود را در جلو چشم نمایندگان مهاباد نمودار ساخته و نیازم برای این که برده و حال بزرگی بروی مسالمت آمیز و کاردانی و لیاقت رئیس دولت بکنشد دست بسیل خانان زودنه که قطعا در روحیه فرستادگان برادران کرده مهابادی بی تاثیر نبوده است .
 چند نفر رجاله و او باش تحت دستور و اوامر عبدالقادر صابری مامور ، مخصوص ستاد ارتش ، با دعای خودش ، همواره در کوچ و خیابان و بازار دو تعجب افسران دموکرات و فداپان نشان بود موبار کسی حرفی می زدند و یا مثلا از کاسی جنسی می بردند فوراً نام او در لیست خانین ثبت می شد و بصابری خادم ا گزارش می شد تا او هم با ستاد این گزارش بعدا بچاره کاسپرا سرو کسه کند خود این شخص هم مرتبا در تعجب این افسران بوده رجاله و او باشی که عفتش مخصوص او هستند در مقابل هر چیز راست با دروغ که می توان با ستاد آن مردم را سرو کسه کرد بکنده ربال در یافت می نمایند معلوم هم نیست این بزرگالاز چه اعتباری داده می شود این شخص در مدت کوتاهی که

بردهای از جنایات سنز

صابری وقت ما را خیلی گرفت بر کردیم موضوع تلگرافها که در اول این مقاله به آن اشاره شد .
 دو تلگراف رسیده یکی باستانی حاج ابراهیم عزیزی که خود را نماینده روسای کورک و مهاباد معرفی کرده و گمان میکنم برادر حزه آقا باشد که در جنگ ۳۲۱ بدست نیروی دولتی به قتل رسیده و پس از قتل برادر خودش مولف به فرار گردیده و در آن سال با همه همه رفیق خان همکاری صیسا داشت .

تلگراف دیگر با رضای آخابان پیش از یکگی است : دولت خواه - عبدالقادر صابری - سهام کیهسروی - احمد امیری - محمد انبالی - حسن نیشانی - یکی - علی سلیمی - احمد کیهسروی - حسین کیهسروی - سلطان - مردانی - پایا میری - خزیز پایا میری - حسن پایا میری - مجید باهامیری - عزیز فتح نصی در هر دو این تلگرافها شکایت کرده اند که املاک آنها از طرف اکراد رضایی و بارزانیها تصرف شده و براهباید شان ظلم و جور نموده و اما کنته گان فقط توجه دولت را خواستار شده اند .
 در این دو تلگراف عباراتی گنجانیده شده که کلاما از یادمان است و اینطور بنظر می آید که خواسته اند با انتشار آن اسامات اکراد شالمی را تحریک نموده و زمینه ای برای وجود افشش تهیه نمایند .

مطالب دیگر در زمینه آشوب نمودن منطقه سنز با رسیده ولی با حل قضیه آذربایجان و کردستان شمالی فعلا در آنها را زاید میدانیم زیرا امیدوارم مطالب دیگر مورد احتیاج از احتیاطت کر و چاپ نیافتد و همان حسرت بینی که در شخص نصبت وزیر بری حل مسائل همه مملکتی موجود است در وجود فرمندان و مامورین مسئول شهرستانها نیز برود با بکار سن آن حنای این عناصر کثیف را بی رنگ ساخته و بهتر متوجه فوند که اکراد مردمان خریف و وطن پرستی بوده و بجزیران گذشته هادونامین آسایش و راحتی آنان گوشش نمایند .

به انتظار آینده درخشانی برای مردم سنز

انتقال به لشکر ۴ کردستان
 از وزارت جنگ خبر می دهیم که از تاریخ هفتم خرداد ۱۳۶۰ سرمنک پاداه عبدالله بهرامی افسر منتسب ستاد ارتش و مامور پلورسی واحد های لشکر ۴ کردستان بدست معاون لشکر ۴ کردستان منتقل می گردد .

بمشتور گین محترم
 با وجود اینکه چند ماه از انتشار سال دوم روز نامه کوهستان میگذرد هنوز همه ای از مشتور گین وجه اشتراک سال گذشته را اوسال نامروده اند انتظار داریم ارسال و چاپ اشتراک را بیش از این به پیش بیاورند .

چاپخانه شرکت مطبوعات

بقیه از صفحه ۱
 این بردهان ساکن سنز است عبد القادر صابری از دختر خواستگاری کرده چون شکستش خیلی کثیف و توبوع آور است دختر و اضی نشده که منطری را شوهری قبول نماید بیسی اینکه دشمن تر در قید ازدوج او اخته بهره زن بیچاره دو دام پرونده اش گرفتار شده میگویند او را بنام اینکه جاسوس دستگرفته است مدتی در سنز بازداشت و بعد به سنز فرستاده اند .

اکنون آن بیچاره در کنج زندان دله میزند و میسازد و عبدالقادر دوستش دختر می سوزد و پرونده میسازد خواننده گان عزیز شما اگر بجای مردم سنز باشید چه میکنید تیسار رزم آراهشا این مطلب را تعقیب نماید . تیسار هادیولی شما هم از این عنصر کثیف بر حذر باشید زیرا خیلی چیزها را این شخص بحساب شما منظور میکند و ما چون دامن شما را آلوده به هیچ لیکه نمیدانیم نخواهیم شما را کردستان خطرات بدی داشته باشید امروز مردم سنز می گویند که تیسار هادیولی را نسبت به ساکنین سنز بد گمان کرده اند ایشان آن مهر و محبت سابق را ندارند و این را نتیجه وسوسه های اطرافیان شما و عناصر ناپاک که محبوبیت شما در میان مردم بشرشان است میداند و در این امر هم صابری کثیف را مؤثر می خوانند .

مردم سنز از شما آخابان سرلشکر رزم آراه و سرتیپ هادیولی هیچ تمناهای نا مشروعی ندارند فقط میخواهند که کارها بهتر رسیدگی کنند اگر شما بولند هائی را که صابری برای مردم ساخته رسیدگی نماید و بواسطی هم دو حد کشف حقایق بر آید آنوقت ذهن خواهد بود که بردبارترین مردم ایران ساکنین سنز میباشد .

نمایندگان مهاباد در سنز بودند آرام نداشت و آتقدیر و جاله و منشی مخصوص خود را در تعجب آن ها فرستاد تا آن ها بی پروانه که در همه جا تحت تعقیب و پلورسی هستند .
 در جلو دارو خانه صحت سه نفر افسر دموکرات کسی توقف کردند در این دم صابری و دارو دست مارک دوش چند قدم دورتر حلقه زده می دادیم منتظر و مترصد چه بودند .
 افسر بلت بالائی که این بست بندی هاژلاته را درک کرد و جاله صابری را زودتر شخص داد که در گوشه میدان مراقب مذاکرات و حرکات آنها است همراه خود را متوجه ساخته گفت :

رفیق آن مرد صابری است می پیش بساجه مراقبتی در گوشه ای مترصد ایستاده است .
 مخاطب گفت : مسیبن سیه روزی

ایران همین اشخاص هستند جای خوشنودی است زیرا این اشخاص خائن و مزدور در زوایای کردستان مشغول با یوش و کلاه سازی هستند امکان عمومی بشهری متوجه مانده و ما هم در تعجب و ضحیت استوار قلی خود و هم آهنگ کردن آزاد مردمان دیگر و ساکنین شهرهای باغتری با نهضت خود آتقدیر بافتاری خواهیم کرد که دولت مرکزی دست جنایت کار انواع این ها را از حلقوم برادران ما قطع کند .
 افسران دموکرات که کبر و در شدند و رجسه چستین کلمات را گوش های حساس و هکتوری در حلقه زده تیت کرد و خداوند سر صابری احوالات بخارده زیرا از برکت حرکات او تاکنون قریب سه هزار فراز اشخاص بی طرف و حساس به مهاباد پناه آورده با ما هم آهنگ شده اند .

سنز ۵ خرداد ۱۳۴۵

بهار وطنی عزیز

شماره ۵

ای وطن ای خاک می کسردی نامدار ای وطن ای لایسه منتالی هام ای وطن ای سبور لغنی خندا ای وطن ای کانی فضل وزیر کی ای وطن ای گنجانسی خرم پای هم خاک همیشه سبزو خوش هم زوبنت پیشکشی ظلم و ستم هر کسی بیژی که خاک می خوشی به من خیال ناکم کسی بوسیری گل چونکه کبویکه له قلبی خاردا فصلی گل هر باغی اوردشکی ارم چشمه آوایا و سوزده دارا ابگری آره گالی چی له سردی و ما قیا زمزمه می بلبل له بر عشقی گلان ه فقط آویر له کسروستان دا هر طرف هر گوشه هر نقطه ای او ای وطن داغم بوینم صحنه کت جا باواری دلم تشریف بکنم دابیشم سیری گلگشتت بکنم به (حامد) گوشه گرتن غله بود

ای زویت دانسا بی پادشاه ای هواکت وک هوای دارالقرار بوهمان لطف معنی کسردگار دیکه ای و بیکاره گالی با وفار خاطر و باطن گات هس صدهزار چو از نعل بر که و نش ونگار بو طباخ بو صناع سوزگار معنی ناکم کبیره قلبی وک حصار آویری دوی و تکمیلی بهار وک حرم کبیره قلبی سوزدهار هر طرف نبری هزار هزار وک حرم نغسو چننا به جو بیسار سلیل و کوزی کرد هردهار زلزله می غشته له من دروک چنار با صفا و دلگشاس و آودار هم رویه و دل رفینه شوخ دار وختی غارغ بی له ظلی ظلم دار بو هوایران که غدری روزگار فکسر کم له قدرتی پروردگار گردش و ناری دشت و کوهسار

کوهستان

آرمان یکساله داخله - ۲۰ دیال خارجه - ۲۵۰ دیال
تکفروضی داخله - ۴ دیال خارجه - ۵ دیال
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن ۶۶۵۷

اوضاع منفرد کلیاتی

قربت هم چیزی نیست که بتوان کسی را فائده آن تصور کرد و غمخوار در مناطق عشایری هر فردی که کمتر پانصد تن باشد او را تسکین و آسودگی میخوانند در این گونه نقاط پستیهای مهم و مسافلی که با جاده تماس داشته باشد باید به مأمورین محلی و بومی و اشخاص داخلی رجوع کرد که آنها را آفات اجراء محلی شخصی فرار دهند متأسفانه در سفرهای این قاعده کمی و شرطاً اساساً را نکرده اند و حساس ترین پستیهای دولتی که مالیات بردارند باشد با مردم همانجا چون توکلی رجوع شده و بر او ایشان آقای امان‌الله توکلی هم مستأمنان می‌باشند شرکت لفظ ایران و انگلیس را اداره آقای اخوان چند سال است در نهایت خودسری و استبداد کامل حکمفرمانی میکند و هر چه از او شکایت شده بی اثر مانده و کدالت شکایتیکه از برادر او در قسمت فروش لفظ شده و سوابق و پرونده های آن در بخشهای سنتر و فرمانداری عالی مستخرج کرمانشاه یک مثوی غذای منق را تشکیل داده همه موجودات بالاچال دو سه هفته است کبچون مالیات بردار آمد در سنتر مشغول کار شده لکن چون آقای اخوان در قسمت مالیات برآمده اغراض شخصی را با وظیفه اداری مختلط نموده کبچونهای مشکله مالیات با بخشهای خارج از موضوع بر گذار می شود پس باید گفت بست های حساس و مأمورین بومی چو در نمی آید باید بودار در اینگونه که جناب آقای اسکندر بیگلری مستخدم دارایی های استان همدان است اسامی اساسی را داده اند زود تر بفرماد ضمه سفر کلیاتی برسد چنانچه ضرورت پیدا کرد و حقایق بیشتری را با مدارک مستکی برض عامه خواهم رسانید

۵ مأمور نظام وظیفه وارد شد
آقای ستوان امین الله از جانب زارگان سقز آمده است اخیراً برای رسیدگی بوضعیت مسئولین متولین سالهای ۱۳۰۶ الی ۱۳۰۹ وارد سنتر شده و طبق مقررات آگهی های مسمولی را منتشر کرده و مشغول کار شده اند

۶ برای اجراء دستور شماره ۲۴۴۸، ۲۴۴۹، ۲۴۵۰، ۲۴۵۱
وزارت کشور
از طرف وزارت کشور برای تهیه نظر در قانون تنصیبات کشوری حوزه بندی استانها و شهرستانها و بخش ها دستور فوق بطور بخشنامه صادر و بنام مصلحه از سال شده و بنظر اجراء می باشد دستور کسب و نامهای متناوبی در بخشهای سنتر تشکیل یافته و عموماً موفقیت سنتر کلیاتی و دست خاک و اکثریت غرض آن را حاکم درجه شهرستان بودن دانسته دعائی را هم از قسمت بیلوار و فارسیج و اسفند آباد را از جانب این شهرستان شخص و غیر از سنتر که مرکز شهرستان است و بخش مرکزی خواهد بود دو بخش هم برای آن لائل شده اند و قریباً با مدارک و دلائل مقننه نظریه خود را به استانداری استان همدان خواهند فرستاد - منبر رسمی روزنامه کوهستان در سنتر کشور

قابل توجه تشکیلات زانداره ری کل کشور
از چندین قبل امنیت داخلی سنتر و کلیاتی دچار تزلزل و اختلال شده و مخصوصاً پس از تقیل لغات زانداره ری سنتر سارقین مسلح موقع را مقننه کرده و بتراز کرگان درنده که بجهان گورستان این شبان بینند شب و روز مشغول تاخت و تاز هستند و چنان مجال ضداوردن این واقعی را در معرض خطر قرار داده اند و جدی میدان را غالی دیده و بتجاسر خود افزوده اند که کرده مله ماس و کباب و تری سمرقرا در روز روشن میکنند خود قرار داده محمولات کامیون گورهای همدان را غارت کردند بالاچال وحشت و اضطراب معنی اهالی را فرا گرفته و تنها روزنه امیدیه که دارند وجود تیسار سرانگیز رزم آراست که نسبت فراموشی قوای غرب منصوب و نه زام شده اند و انتظار دارند این امر روید و شجاع بیهن دوست اقدام سریع مولری در اعاده آسایش و رفع نوحش عمومی بفرمایند بهیچ استریاست معتمد تشکیلات زانداره ری هم دستورات موثر خواهند فرمود

۳ بازرس باوجدان
راجع برفت کوهستان کرمانشاهی ها که مأمورین زانداره ری آنها بنام تحقیق در این موضوع وسایل زینت و زبان جمع کثیری می گناه از کلیاتی ها را فراهم آورده و نسبت با آنها با حشمت الله امجدی و عبدالله قبادی حرکات مولری را متوقف شده بودند و شکایات آنها مقامات صالحه از حد گذشت و در همین نامه کوهستان هم درج شده اخیراً سرکار محکمش آشوری که زمامدار متصدیای صحیح العمل و سریع الهجه بسا وجدان است بست بازرس وارد سنتر شده و اوضاع دغراش این شهرستان گننام را بدست ملاحظه فرمودند و متأسفانه شبان زود احضار شدند و حرکت کردند البته اوضاع اینجا را کما کفیفا به عرض مقامات ذیصلاحیت بالاتر می رسانند

۴ تغییر مأمور غله و نان
آقای صالحی رئیس غله و نان شهرستان کرمانشاه بالاخره صلاح ندانسته مسئول اهالی را اجابت گفته و آقای علی بن فرهنگ رئیس غله و نان سنتر را که بسا اهالی کمال مهر و مودت و داشت و عموماً او را راضی بودند و ابناء او را خواستار شده تغییر دادند و آقای شاه زاده ایزد پناه را بجای ایشان فرستاده اند مشغول کارم شده اند و امیدواریم این ریش سفید معتمد هم رویه سلف شود و گرفته نم البهل واقع شوند تا بعد نتیجه چه باشد البته با اطلاع خواننده عزیز خواهد رسید

۴ بست های حساس و مأمورین بومی جور درونی آید
حب و بخش و دوستی و دشمنی در همه جا هست و مخصوصاً در سنتر آلهایی مرض دسته بندی و لجاج بعد و فوریایع است و تسعوب و احساسات اخوت و

اداره کل گمرک توجه فرماید
اداره گمرک مستخرج نسبت باجناس داخله و اجناسیکه از تهران و همدان خرید شده و بسقز و نقاط تابعه حمل میشود اشکال ترائی و بهانه گیری میکنند و مدعی است که باید برای اجناس متلافت و برنج و پارچه وطنی و سایر اجناس معموله سفر باید بته عبور (؟) صادر شود و اجناس یلمب شود چاد ترائی آذربایجان تا کنون مسعود بوده و جاده تجارانی مستخرج هم جلت نازروانیا و بهانه گیری های گمرک مستخرج بر روی اهالی سقز و پناه و سایر نقاط تابعه مسعود میشود و اداره گمرک نیز هم بعضی درود جنس نقاشی ورقه بته می نماید و معتقدند که اجناس باید با حضور رئیس گمرک باز شود

از اداره کل گمرک تقاضا دارد که به گمرک مستخرج و سقز دستور و تذکر داده شود که است مقررات بی سابقه و سخت را از میدان برداشته و بگذراند اهالی سقز را از بنگاه بگری و سرگردانی یکسره مشغول شوند

بازرسان سنتر معتمد تهران کوهستان
وضیعت منطقه سقز ایجاب مینماید که سهیلانی از هر جهت برای مردم اینجا فراهم شود توجه اداره کل گمرک را به شکایت وارده سقز جلب و انتظار داریم دستور آکاید بر وفق ملاحظت بازرسان سقزی صادر نمایند

علاقتمندان توجه فرمایند
آقای شمس الدین معروف به شمس السادات که از طلای کوفه کبسر و سادات معتمد کردستان میباشد اخیراً منظومه ای کردی بنام شمس القادح که در اصول عقاید امام اشمی است سروده و چاپ کرده اند

انتظار داریم آقایان علاقتمندان از خرید و مطالعه آن دریغ نفرمایند جایگاه فروش مستخرج میباشد

بنام احتمال رابطه باشما بود مردم آنجا دست رسته راه زلفان را پیش نیگر گرفته اگر برای جلوگیری از سرایت اقدامات شما نبود حکومت نظامی در مناطق کردستان با هدیه ترین وضعی احساسات مردم را خفه نمیکرد

بنا بر این برای برقراری آسایش در این نواحی شما باید جدا گوش کنید ما امروز با سرور و شرف زاید اوصافی این موثقت و ایبراداران کرد خود معتمد کردستان شمالی تبریک گفته امیدواریم با توجه غمخوار رئیس معتمد دولت در آینده نزدیک ساکنان سایر مناطق کرد نشین هم از نظیر این امتیازات برخوردار شده تا جنگلی دست بدست هم داده این بساط غم و پریشان روزگاری را در هم شکسته پایه های خج سادات و سرفراری را استوار سازیم

مان ۱۳۸
بقیه از صفحه ۱
استفاده نموده و بدون اینکه دچار مأمورین مغرض و خیانت پیشه و کسالی باشند که همیشه سه راه ترقی اگراد بوده اند خود در مقدرات خود سهم و کار فرما خواهند بود

بدیعی است ترقی و سعادت این همه از برادران ما که پیش پیش همه بیارزه بر طبقه ملل و موجبات بدبختی اگراد برخاسته اند منوط بیزان گوش و کاردانی رهبران متصدیان امور خواهد بود که در آینه نزدیکی مقام آنها رسا از طرف دولت شناخته شده احکام مربوطه صادر خواهد گشت

بهین مناسبت است که ما لازم میدانیم این برادران مبارز و بیرومند را مخاطب قرار داده بگوتیم:

امروز چشم دوست دشمن جلایات و اقدامات آینده شماست - آنکه دوست است میشود شما در کار های خود موفق بوده و برای شما آینده درخشانی از خداوند مشتت مینماید - آنکه دشمن است آرزو دارد شما پس از این مبارزه با چنان مشکلات داخلی و کار دشمنی های رو برو شوید که نتوانید قدم اصلاحی مولری بردارید تا در آینده نزدیک هم موثقت شما را دستاویز قرار داده برهنم لیاق و رشد و هزاران نیست ناروای دیگر نمیر کرده کوسر سواری اگراد را بدفعه خود بکنوید

برای موثقت شما در تشکیلات جدید خود باید سعی نمائید از وجود افراد شایسته و جوانان بیور و حساس استفاده نموده و هر یکی را به تناسب لیافت و شایستگی معتمد کاری نمائید که در غور صلاحیت علمی و ذاتی او باشد از نفاق و باصلیاتی که موجب نفاق گردد جدا پرهیز نمائید زیرا بدخواهان مسکن است نگر کنند از این راه در صوف شما رسته ای وارد آورند

حال که امتیازاتی بدست آورده اند نباید کار خود را تمام شده تلقی کنند بلکه باید متوجه باشند که وظایف نیز نسبت به کردستان جنوبی برعهده داریه که باید انجام دهید

صیح است که شما پیش قدم بوده مبارزه کرده اید و برای مقابله با هر گونه خطر میبای جان بازی بوده اید ولی فراموش نمائید که برای خاطر شما برادران دیگران هم زجر ها کشیده و زحمتی متحمل شده اند

شما به اوضاع منطقه سقز کاملاً آشنا هستید وضع مردمان این ناحیه را خوب میدانید افکار هالی که بر آنها وارد شده و میشود قضا در نظر شما پرفیده نیست - تمام اینها بخاطر شما بوده است

اگر بخاطر شما بود چنین بیرونی در مناطق سنتر تیر کر داده نیست اگر